

سنجش تاثیر فضای مجازی بر میزان شکاف دولت - ملت در ایران پس از انقلاب (بین سال‌های ۹۰ تا ۹۶)

علی آزرمی*
عباس حاتمی**
حسین هرسیج***

چکیده

فضای مجازی یکی از موضوعات راهبردی و استراتژیک جهان امروز است که به عنوان پرچالش‌ترین و به روزترین مسائل جهان مطرح می‌باشد. یکی از وجهه‌های قدرتمندی فضای مجازی، تاثیرگذاری آنها بر فضای سیاسی و به طور ویژه کارویژه‌های دولت می‌باشد. از سویی دیگر یکی از انواع شکافهای اجتماعی سیاسی شکاف دولت ملت است که امروزه از درجه اهمیت بالایی برخوردار می‌باشد. با توجه به افزایش تصاعدی ضریب نفوذ اینترنت در ایران و گسترش کاربری فضای مجازی و در کنار آن افزایش آرایه محتوا در حوزه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، توجه به ابعاد گوناگون و چالش‌های پیش روی آن را ضروری کرده است. در همین راستا سوال اصلی مقاله بدین صورت است که فضای مجازی چه تاثیری بر شکاف دولت ملت در ایران بین سال‌های ۹۰ تا ۹۶ داشته است؟ نتایج تحقیق نشان می‌دهد که ساعات استفاده یا مدت زمانی که کاربران در فضای مجازی سپری می‌کنند، می‌تواند بر اعتماد سیاسی و نیز ذهنیت

am_az88@yahoo.com
A.hatami@ase.ui.ac.ir
harsij@ase.ui.ac.ir

*. دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشگاه اصفهان
**. نویسنده مسئول، دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه اصفهان
***. استاد گروه علوم سیاسی، دانشگاه اصفهان

تاریخ پذیرش: ۹۶/۷/۲۱

تاریخ دریافت: 96/1/18

آنها از بی‌ثباتی سیاسی اثرگذار باشد. نتایج این تحقیق نشان داد که میزان استفاده از فضای، بر اعتماد به نهادها و به ویژه بر اعتماد به کنشگران سیاسی و همچنین وقوع برخی بی‌ثباتی‌های سیاسی تأثیر دارد. بنابراین فضای مجازی با تاثیرگذاری بر اعتماد سیاسی و بی‌ثباتی سیاسی شکاف دولت ملت را متأثر نموده است.

واژگان کلیدی

فضای مجازی، دولت - ملت، اعتماد سیاسی، بی‌ثباتی سیاسی، شکاف

مقدمه

با ظهور فناوری‌های نوین ارتباطی و گسترده‌ی اینترنت، جهان وارد دوران جدیدی شده است که گروهی از نویسندگان این تحولات شکل گرفته در عالم ارتباطات را مبدا عصر جدیدی می‌دانند، اولریش بک آن را مدرنیته دوم (بک، ۲۳۸: ۱۳۸۸)، کاستلز جامعه شبکه‌ای (کاستلز، ۶۹: ۱۳۸۰)، جان واتیمو جامعه ارتباطی، زیگموند بومن مدرنیته سیال (Bauman, 2000, 232)، دیوید هلد جامعه مدنی جهانی (هلد و مک گرو، ۱۶۴: ۱۳۸۲)، مک لوهان دهکده جهانی (مک لوهان، ۱۳۷۷: ۱۷۲) و آنتونی گیدنز جهان رها شده (گیدنز، ۱۳۷۹: ۶۷) می‌نامند. با گسترش فناوری‌های ارتباطی استفاده از فضای مجازی به عنوان شکل نوین ارتباط جمعی افزایش چشمگیری یافته است. همراه با افزایش نقش روزافزون فضای مجازی در زندگی اجتماعی پرسش‌های بنیادی از جمله در مورد تأثیرات اجتماعی و سیاسی فضای مجازی و فناوری‌های مرتبط با آن به وجود آمده است. یکی از وجهه‌های قدرتمندی این شبکه‌ها، تاثیرگذاری آنها بر فضای سیاسی و به طور ویژه کارویژه‌های دولت می-باشد. فضای مجازی می‌تواند به کاهش نفوذ کلیت‌های سیاسی بر هویت‌سازی‌های فردی شده و باعث شکل‌گیری منابع هویتی جدیدی فارغ از کنترل دولت‌ها شده است. (معینی علمداری، ۱۳۸۴: ۱۱۵) جذابیت‌های جریان آزاد اطلاعات و امکاناتی که فناوری‌های نوین در اختیار طیف گسترده کنشگران قرار می‌دهند، بسیاری از مقاومت‌های اولیه نهاد‌های رسمی را در هم می‌شکند و چالش‌های بزرگی را در حوزه‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی پیش روی دولت‌ها قرار می‌دهند (Ferdinand, 2000: 18)

گرچه فضای مجازی دارای ابعاد و ظرفیت‌های فنی گوناگونی است اما در علوم سیاسی نگاه به این پدیده معطوف به زمینه‌ها، عملکرد، آثار و نتایج و نهایتاً اثرگذاری آن بر پدیده قدرت باشد. از

طرفی دیگر، با فروپاشی امپراتوری‌ها و به سر آمدن عصر امپراتوری‌ها، شکل جدیدی از دولت ظهور یافت که تفاوتی بنیادین با اشکال سیاسی ماقبل خود، داشت. این شکل جدید هم در کارویژه‌ها و هم در ترتیب نهادی، متمایز از سازمان‌های سیاسی ماقبل خود بود. گرچه این دولت‌های ماقبل مدرن دارای برخی خصایل مشترک شکلی با دولت‌های مدرن اولیه بودند اما این ویژگی‌ها بیشتر صوری بودند تا محتوایی. مثلاً با وجود این که برخی دولت‌های ماقبل مدرن دولت‌های سرزمینی بودند اما مرزهای سرزمینی آنها نه ثابت بلکه سیال بودند و با شورش و یا اشغال تغییر می‌کردند. همین‌طور اعمال قدرت آنها بیشتر شکل فرمانروایی داشت تا حکومت چرا که فاقد تشکیلات اداری منظم و ارتش دائمی حقوق‌بگیر در قلمرو سرزمینی خود بودند. به طور مشخص تر قدرت این امپراتوری‌ها عموماً بر مرکز متمرکز بود و مناطق خارج از مرکز منبع خراج و نه مناطق کاملاً تحت کنترل دائمی آن امپراتوری قلمداد می‌شدند. (حاتمی، ۱۳۹۰: ۸). اما با ظهور این شکل از دولت، دولت حاکم بلامنازع سرزمینی مشخص و در آن از حق انحصاری استفاده از خشونت مشروع برخوردار شد. سرزمینی که محدوده‌های آن با مرزهایی مشخص معین شده بود. دولت با استفاده از دستگاه بوروکراسی گسترده و ارتش منظم، نظم سیاسی جدیدی را در جوامع مستقر ساخت که ماهیتاً متفاوت با اشکال ماقبل خود بود. این شکل از دولت را که گیدنز دولت - ملت می‌نامد، (Giddens, 1987: 94) یکی از پدیده‌های سیاسی دوره مدرن است که تلاش‌های بسیاری از محققان این حوزه را به خود مصروف داشته است. اساساً در مباحث جامعه‌شناسی سیاسی اصلی‌ترین دغدغه ذهنی صاحب نظران این است که چه رابطه‌ای بین دولت و جامعه وجود دارد. به عبارت دیگر شناخت رابطه و تعاملی که بین نیروهای اجتماعی و قدرت دولتی وجود دارد، در کانون مطالعات جامعه‌شناسی قرار دارد. بعبارت دیگر رابطه میان دولت و ملت و ریشه‌های اجتماعی توزیع قدرت سیاسی و نقش طبقات اجتماعی در ساخت قدرت سیاسی در کانون مطالعات جامعه‌شناسی سیاسی قرار دارد. لذا از زمانی که دولت - ملت همراه با شکل‌گیری مدرنیته در اروپا تشکیل شد، یکی از مهمترین موضوعات مطالعه علوم سیاسی مدرن و جامعه‌شناسی سیاسی رابطه متقابل دولت و ملت بوده است. بحث از موضوع نوع مناسب رابطه متقابل دولت و ملت و آسیب‌ها و چالش‌های روابط دولت - ملت همواره در اولویت مطالعه و اندیشه ورزی اندیشمندان علم سیاست قرار داشته تا جایی که عده‌ای از صاحب‌نظران مفهوم شکاف - اجتماعی را مطرح کرده‌اند و در واقع به بررسی طرح مسئله شکاف در روابط دولت - ملت پرداخته‌اند. در یک نگاه تاریخی با بررسی تحولات اجتماعی و سیاسی از زمان مشروطیت و پس از آن شکل‌گیری دولت مدرن در ایران تا به امروز، می‌توان از شکاف دولت -

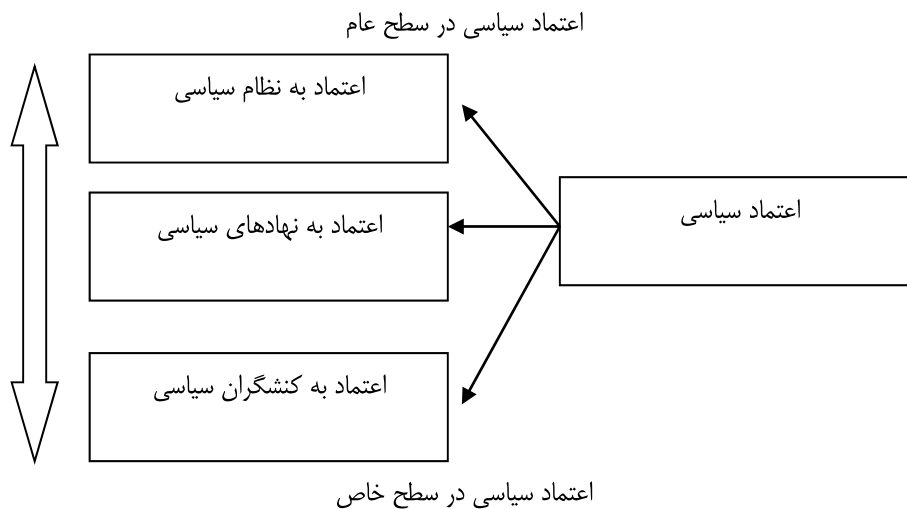
ملت به عنوان یکی از فعال‌ترین شکاف‌های اجتماعی در ایران یاد کرد در کنار این مسئله و با توجه به افزایش تصاعدی ضریب نفوذ اینترنت در ایران و گسترش کاربری فضای مجازی و در کنار آن نرخ رشد آرایه محتوا در حوزه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و غیره در قالب سرویس‌هایی مانند پست الکترونیکی، سایت‌ها و وبلاگ‌ها، تالارهای گفتگو، شبکه‌های اجتماعی روی این شبکه جهانی، توجه به ابعاد گوناگون و چالش‌های پیش روی آن را ضروری کرده است و شاید بتوان گفت که هیچ پدیده‌های در طول سال‌های اخیر به اندازه فضای مجازی در ایران رشد صعودی نداشته است (شیرودی، ۱۳۸۹: ۱۸۴) با توجه به آن چه گفته شد در مقاله پیش رو به دنبال بررسی تاثیر فضای مجازی بر شکاف دولت ملت در ایران پس از انقلاب در دهه ۹۰ خواهیم بود.

چارچوب نظری

شکاف‌های اجتماعی یکی از مهم‌ترین مباحث جامعه‌شناسی سیاسی در طول عمر این رشته بوده است. شکاف‌های اجتماعی در حقیقت به افتراق و تفاوت‌هایی گفته می‌شود که صورت‌بندی‌های گوناگونی از تقسیم‌بندی‌های اجتماعی و جناح‌بندی‌های سیاسی بر مبنای آنها شکل گرفته‌اند. هرچند به دلیل ماهیت متفاوت شکاف‌ها اجتماعی در جوامع مختلف توافقی بر سر تعریف این شکاف‌ها یا حتی گونه‌شناسی آنها وجود ندارد، اما اغلب این نکته را می‌پذیرند که شکاف‌ها اجتماعی بی‌انگرمعیارهایی هستند که اعضا جامعه را به گروه‌ها مختلف تقسیم می‌کنند. یکی از انواع شکاف‌های اجتماعی - سیاسی، شکاف دولت - ملت است که امروزه از درجه اهمیت بالایی برخوردار بوده نگاهی به جریان تاریخی توسعه در جوامع مختلف حاکی از آن است که موفقیت در این زمینه مشروط به ایجاد پیوند بین دولت و جامعه بوده و تحکیم فرایند توسعه نیازمند پیوند قوی بین دولت و ملت است. در واقع منظور از شکاف دولت - ملت به عنوان یک مسئله اساسی نظم اجتماعی در سطح کلان، نوعی مشکل در تنظیم رابطه‌ی سیاسی بین دستگاه دولت از یک سو و افراد و گروه‌های اجتماعی به مثابه شهروندان یک ملت از سوی دیگر است. بنابراین با توجه به رابطه بین دو خرده نظام اجتماعی (جامعه) و سیاسی (دولت) می‌توان اختلال یا بی‌نظمی رابطه‌ای بین دولت و جامعه را به مثابه شکاف تلقی کرد. (قوام و مالمیر، ۱۳۹۳: ۶۱) لیست و روکان به دنبال ارائه مباحث مربوط به شکاف و انواع آن به سازوکارهای حل شکاف که ریشه در برقراری روابط بین دولت و جامعه دارند پرداخته و در این مورد به نقش عامل اقتصادی و بسط ارزش‌های دموکراتیک اشاره می‌کنند. (دلیرپور، ۱۳۸۸: ۱۷) از سویی دیگر برخی اندیشمندان بر اساس مقولات مختلفی سعی در تحلیل

شکاف دولت ملت داشته‌اند و یکی از مسائل اساسی که بر شکاف دولت ملت اثرگذار است متغیر اعتماد سیاسی است. اعتماد سیاسی یکی از انواع اعتماد است که به رابطه دولت و مردم می‌پردازد. در ذات مفهوم اعتماد سیاسی نوعی رابطه دولت ملت یا شهروندان و نظام سیاسی حاکم نهفته است. اعتماد سیاسی به مثابه ارزشمندترین و مهمترین مقوله سرمایه اجتماعی نیرویی شگرف و پایان‌ناپذیر برای پیوند دولت ملت و از طرفی مردم و نهادهای حکومتی دارد (Luhman, 1979: 264). اعتماد سیاسی میزان نگرش مثبت و حامیانه مردم نسبت به نظام سیاسی، نهادهای سیاسی و کنشگران سیاسی می‌باشد. شکی نیست که تعامل و ارتباط بین دولت ملت باید با سازوکارهای مناسب که همان ایجاد اعتماد سیاسی است برقرار و حفظ شود (پناهی و شایگان، ۱۳۸۶: ۲۴) با وجود اجماع اندیشمندان مختلف بر اهمیت و جایگاه اعتماد سیاسی در رابطه دولت ملت پارادایم و چارچوب نظری یکسانی برای تحصیل این پدیده وجود ندارد. لوسکیو معتقد است که محققان اعتماد سیاسی موضوع مشابهی را با رویکردی مختلف مورد بررسی قرار داده‌اند و هر یک بر جنبه‌های خاصی از موضوع تکیه کرده‌اند که این خود به ارائه تعریفی ناقص از مفهوم اعتماد شده است. (لوسکیو، ۱۹۹۸: ۱۲) اعتماد سیاسی مفهومی پیچیده و بحث‌برانگیز است که دانشمندان مختلف هر یک به فراخور علاقه و زمینه مورد مطالعه خود با پر رنگ کردن ابعاد از مفهوم، برخی از جنبه‌های دیگر آن را نادیده گرفته‌اند. جامعه‌شناسان کلاسیک به شکل‌های مختلفی به موضوع اعتماد سیاسی پرداخته‌اند، اسپنسر اعتماد سیاسی را در جوامع نظامی مبتنی بر زور و در جوامع صنعتی متکی به قرارداد می‌داند و جوامع در حال گذار را فاقد اعتماد تلقی می‌کند. البته وی اعتماد در جوامع صنعتی را به دلیل گسترش سودجویی و فردگرایی موجب نادیده گرفتن دولت می‌داند (میزتال، ۱۹۸۰: ۵۶) و بر نیز مبنای اعتماد سیاسی را در جوامع سنتی آداب و رسوم، در برخی جوامع شخصیت‌کارزمای حاکم سیاسی و در جوامع مدرن قوانین عقلانی می‌داند. اعتماد سیاسی از نظر سیتین به احساس مردم درباره سیستم‌داران باز می‌گردد، لیپست و اشنایدر هم اعتماد سیاسی را در اطمینان به رهبران سیاسی محدود می‌کنند (peri, 2006, 3 - 4). از سوی دیوید ایستون اعتماد سیاسی را هم به رژیم سیاسی هم به دارندگان اقتدار در جامعه مرتبط می‌داند. وارن هم به تمایل مردم به پیروی از رهبران سیاسی در مقوله اعتماد سیاسی توجه کرده است. اما بریتزر اعتماد سیاسی را در سه سطح اعتماد به نظام سیاسی، نهادها و کنشگران سیاسی در نظر می‌گیرد. (bretzer, 2004, 97 - 115) به طور کلی می‌توان ادعان نمود که دو رویکرد کلی در تبیین اعتماد سیاسی وجود دارد: رویکرد نهادی که معتقدند اعتماد سیاسی بواسطه عملکرد نهادهای سیاسی و دربرگرفته ارزیابی شهروندان از نتایج و

عملکرد نهادهای سیاسی است اعتماد سیاسی نهادی، دلالت دارد بر میزان مقبولیت و کارایی و اعتمادی که مردم به نهادهای سیاسی دارند. (Richard, 2015, 809) به تعبیر دوگان انعکاس فقدان اعتماد به نهادها در اغلب موارد نتیجه بی‌اعتمادی به افرادی است که عهده‌دار امور آن نهادها (دوگان، ۱۳۷۴: ۱۰). بنابراین میزان اعتماد نهادی بر حسب نوع ارزیابی مردم از کارکنان این نهادها در قالب ادارات، ارگانها و نهادهای مختلفی که در زندگی روزمره‌ی خود با آنها ارتباط دارند، سنجیده می‌شود. رویکرد دوم، رویکرد فرهنگی است که اعتماد سیاسی را امری می‌داند که در حوزه‌ای خارج از حوزه سیاست ساخته می‌شود و در فرایند جامعه‌پذیری به عنوان یکی از عقاید فرد تبدیل می‌شود. در نظر رنی، جامعه‌پذیری یکی از عوامل مؤثر بر اعتماد است وی کارگزاران جامعه‌پذیری را شامل، خانواده، مدرسه، گروه همالان دوستان و گروه‌های سنی، هم‌درسان و گروه‌های آموزشی، رسانه‌های جمعی، گروه‌های قومی، جماعت‌ها و گروه‌های مذهبی، همکاران و گروه‌های شغلی، همسایگان، گروه‌های هم درآمد و طبقات اجتماعی می‌داند (رنی، ۱۳۹۲: ۷۴)



جدول شاخص‌های اعتماد سیاسی مطابق با نظریه بریتزر

مقوله دیگری که با شکاف دولت ملت ارتباط وثیقی دارد ثبات یا بی‌ثباتی سیاسی است. عبارت بهتر، هر عاملی که منجر به بی‌ثباتی سیاسی درون مرزهای ملی شود، شکاف دولت ملت را متاثر می‌کند. ثبات و پایداری همواره یکی از مهم‌ترین اهداف حاکمان است و رهبران سیاسی همه کشورها گرایش دارند که نظام سیاسی خود را جاودانه کنند. اندیشمندان سیاسی نیز همواره نخستین هدف

سیاست را برقراری ثبات و پیشگیری از کنش اعتراضی خشونت‌آمیز به منظور رویارویی با اقتدار حکومتی می‌دانند. (متقی، ۱۳۸۳: ۲۹) بی‌ثباتی سیاسی به وضعیتی اطلاق می‌شود که دولت از سوی ملت با چالش یا بحران روبرو شود و احتمال تغییرات سیاسی را در آن افزایش دهد. (دلآوری، ۱۳۷۸: ۱۵) در خصوص ثبات و بی‌ثباتی سیاسی نظریه‌های گوناگونی طرح شده است، هانتینگتون ثبات را در نهادمندی سیاسی و بی‌ثباتی را در نبود نهادهای سیاسی برای جلب مشارکت سیاسی ملت می‌داند ایان توصیف لاستیک تعریف خود را از ثبات سیاسی بدین شرح بیان می‌دارد: ثبات یا ثبات سیاسی به عملیات مداوم الگوهای خاصی از رفتار سیاسی، جدا از بکارگیری غیرقانونی خشونت اشاره دارد که با انتظاری عمومی در بین عامه متوجه، همراهی می‌شود، منوط بر اینکه چنین الگوهایی احتمالاً در آینده‌ای قابل پیش‌بینی دست نخورده باقی خواهند ماند» (Lustick, 2000, 94) اسمیت نیز معتقد است که فرمول بندی از بی‌ثباتی برحسب انحراف اعضای جامعه از الگوهای رفتاری واقع در محدوده‌های ناشی از انتظارات نقش سیاسی» این امتیاز را دارد که حوادثی مانند کودتا، خشونت انتخاباتی و ترورهای سیاسی را دربرمی‌گیرد، که به طور متعارف شاخص بی‌ثباتی تلقی می‌شوند؛ ولی فراتر از کنشهای نخبگان قرار دارند و در عین حال می‌پذیرد که چیزی که ممکن است برای یک ساختار سیاسی بر هم زنده ثبات تلقی شود شاید برای یک ساختار سیاسی دیگر اینگونه نباشد.» (اسمیت، ۱۳۷۹، صص ۱۱۸ - ۱۱۷) ایو فایرابند و روزالیند فایرابند رویدادهای غیرمتعارف و خشونت‌آمیز سیاسی نظیر اعتصابات، تظاهرات اعتراضی، شورش‌های اعتراضی، دستگیری و مجازات مخافین سیاسی، تغییرات پی در پی در قوانین جاری، انحصار مقامات و مناصب سیاسی توسط یک گروه خاص، و ظهور نابسامانی و بحران در دستگاه‌های حکومتی را بعنوان شاخص‌های بی‌ثباتی ذکر کرده‌اند. (Feierabend & Feirabend, 1972: 83 - 136) این تعریف تلویحی ساندرز که ماهیتی هنجاری دارد نسبت به تعاریف دیگر قابلیت عملیاتی شدن بیشتر دارد و می‌تواند در شناخت بسیاری از مسائل مبتلا به ثبات سیاسی در جوامع جهان سوم کارایی داشته باشد. وی بی‌ثباتی را اینگونه تعریف می‌کند: «معیاری که بتوان به وسیله آن یک نظام سیاسی را در هر مقطع از زمان «بی‌ثبات» خواند، معیاری است که با وقوع یا عدم وقوع تغییرها و چالش‌ها در هر حکومت، رژیم یا جامعه‌ای نسبت مستقیم دارد. یعنی آن که تا حد این تغییرها و چالش‌ها، الگوی معمولی یک سیستم خاص حکومتی، رژیم یا جامعه‌ای را تغییر داده‌اند و تا چه میزان باعث ایجاد چالش در آنها شده‌اند. مسلم است که این الگو خود با گذشت زمان دستخوش تغییر می‌شود.» (ساندرز، ۱۳۸۰، ۱۳۴) می‌توان بی‌ثباتی سیاسی را حالتی دانست که در آن «نظم سیاسی موجود با

چالش یا بحران مواجه می‌شود، کارآمدی دستگاه‌های حکومتی کاهش و احتمال تغییرات و حتی خشونت‌های سیاسی افزایش می‌یابد و این عوامل می‌تواند بین دولت و جامعه شکاف ایجاد کند. ساندرز بی‌ثباتی سیاسی را در بعد نهادی شامل عدم پایداری و تداوم نهادهای قدرت می‌داند و در بعد تجربی وقوع حوادث سیاسی مانند آشوب‌های سیاسی، جنبش‌های اعتراضی، عملیات‌های چریکی، و غیره می‌داند. (افتخاری، ۱۳۸۱: ۱۰۶)

نوع بی‌ثباتی	حیطه بی‌ثباتی	شاخص‌های بی‌ثباتی
تغییر	تغییر در رژیم سیاسی	تغییر هنجارها و قوانین - ۲. وقوع کودتاهای موفق - ۳. تغییر نظام حزبی - ۴. تغییر جایگاه نظامیان
تغییر در حکومت	تغییر در حکومت	۱. تغییر مقامات اصلی اجرائی - ۲. تغییر یا ترمیم کابینه
چالش	چالش علیه رژیم سیاسی	حملات چریکی - ۲. شورش - ۳. مرگ ومیرهای ناشی از خشونت سیاسی - ۴. کودتاهای ناموفق
	چالش علیه حکومت	اعتصابات تظاهرات اعتراضی

جدول شاخص‌های بی‌ثباتی سیاسی در نظریه ساندرز، برگرفته از منبع (دلوری، ۱۳۹۴: ۱۸)

روش پژوهش

در مجموعه علوم اجتماعی پژوهش مجموعه‌ای از ترتیبات عملی یا رویه‌ها و تکنیک‌ها است که برای گردآوری و تحلیل داده‌ها (اشتراوس، ۱۳۹۰: ۲۵) و به منظور شناخت واقعیت‌های اجتماعی استفاده می‌شوند این مطالعه از نوع تحلیلی است که به صورت پیمایشی و با ابزار پرسشنامه انجام گرفته است. سال انجام تحقیق ۱۳۹۶ می‌باشد اما اطلاعات آن پیرامون سالهای ۹۰ تا ۹۶ گردآوری شده است. جامعه آماری تحقیق را شهروندان ۱۸ سال و بالاتر شهر همدان تشکیل دادند که در سال مطالعه تعداد ۵۰۹۵۸۵ نفر بود. حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران ۳۸۴ نفر محاسبه شده و نمونه گیری به روش خوشه‌ای چندمرحله‌ای از مناطق شهر همدان انجام شد. ابزار تحقیق پرسشنامه بود که روایی صوری آن بررسی شده و برای اطمینان از پایداری، از آلفای کرونباخ استفاده شد که مقدار

آن برای همه متغیرهای تحقیق بالای ۰/۷۰ به دست آمد. برای انجام تحلیل‌های تحقیق از نرم افزار spss بهره گرفته شد.

تجزیه و تحلیل نتایج

در خصوص مقیاسها و نحوه سنجش آنها باید گفت که شکاف دولت ملت بر حسب میزان اعتماد سیاسی، سنجش بی‌ثباتی سیاسی و نگرشی که کاربران فضای مجازی از بی‌ثباتی سیاسی دارند، اندازه‌گیری شده است. اعتماد سیاسی در ۳ حیطه شامل اعتماد به نظام سیاسی، اعتماد به نهادها و اعتماد به کنشگران، اندازه‌گیری شده است. و بی‌ثباتی در دو حیطه شامل تغییر و چالش اندازه‌گیری شده است. مقولات مرتبط با اعتماد به نظام سیاسی، شامل اعتماد به قانون اساسی و اطاعت کردن از قوانین، پشتیبانی از نظام، شرکت در تصمیم‌گیری‌ها و انتخابات، شرکت در راهپیمایی‌ها، افزایش تعهدات سیاسی، کارائی و اثربخشی نظام سیاسی. مقولات مرتبط با اعتماد به نهادهای سیاسی، شامل اعتماد به قوه مجریه، اعتماد به قوه مقننه، اعتماد به قوه قضائیه، اعتماد به پلیس، اعتماد به صداوسیما. مقولات مرتبط با اعتماد به کنشگران سیاسی، شامل اعتماد به توانائی و ظرفیت اجرائی مدیران سیاسی، حفظ بیت‌الامال از سوی کارگزاران سیاسی، وجود احساس وظیفه و دلسوزی در مدیران اجرائی، قضاوت مثبت در خصوص مدیران و حاکمان سیاسی. مقایس ثبات و بی‌ثباتی سیاسی شامل تغییر و چالش در نظام سیاسی. مقولات تغییر شامل تغییر در مدیران و متولیان اجرائی کشور، تغییر در قوانین و هنجارها هستند. مقولات مرتبط با چالش شامل وقوع اعتصابات، جنبش‌های اعتراضی، تحصن، شورش‌های اجتماعی، خشونت‌های سیاسی، افزایش تنش قومی بوده‌اند. که بر این اساس پرسشنامه طراحی و توزیع گردید. جدول زیر تعداد گویه‌ها و میزان آلفای کرونباخ در روایی و اعتبار پرسشنامه را نشان می‌دهد.

جدول ۱. میزان آلفای کرونباخ برای بررسی پایایی

متغیرها	تعداد آیتم‌ها (گویه‌ها)	ضریب آلفا
استفاده از فضای مجازی	۴	۰/۴۷
اعتماد سیاسی	۱۹	۰/۷۷
بی‌ثباتی سیاسی	۷	۰/۲۱

همچنینی در خصوص ویژگی‌های جمعیت شناختی پاسخگویان باید اشاره کرد که ، ۱۵ نفر معادل ۳/۹ درصد از نمونه زیر ۲۵ سال قرار دارند. ۱۴۱ نفر معادل ۳۶/۷ درصد، بین ۲۵ تا ۳۰ ساله هستند؛

۴۹ نفر معادل ۱۲/۸ درصد بین ۳۰ تا ۳۵ ساله هستند؛ ۱۵۲ نفر معادل ۳۹/۶ درصد بین ۳۵ تا ۴۰ سال قرار دارند؛ ۱۲ نفر معادل ۳/۱ درصد بین ۴۰ تا ۴۵ ساله هستند و مابقی که ۱۵ نفر برابر با ۳/۹ بالای ۴۵ سال هستند.

از لحاظ جنسیت پاسخگویان، ۱۸۸ نفر معادل ۴۴/۲ درصد نمونه را زنان و ۱۹۶ معادل ۴۶/۱ درصد را نیز مردان تشکیل می‌دهند.

از لحاظ میزان تحصیلات پاسخگویان، ۵۴ نفر معادل ۱۴/۱ درصد نمونه را دیپلم و ۱۲ نفر معادل ۳/۱ درصد را فوق دیپلم؛ تشکیل می‌دهند. ۱۶۰ نفر معادل ۴۱/۷ درصد نمونه را لیسانس؛ و ۱۵۸ نفر معادل ۴۱/۱ درصد نمونه را فوق لیسانس و دکترا تشکیل داده‌اند.

از نظر وضعیت تأهل، ۲۷۷ نفر معادل ۷۲/۱ درصد متأهل و ۱۰۷ نفر معادل ۲۷/۹ درصد نیز مجرد در نمونه بوده است.

جدول ۲: توزیع فراوانی جمعیت نمونه، برحسب ویژگی‌های جمعیت‌شناختی

درصد معتبر	درصد فراوانی	فراوانی		
۳/۹	۳/۹	۱۵	زیر ۲۵ سال(۱۸تا۲۵سال)	سن (بر حسب گروه‌های سنی)
۳۶/۷	۳۶/۷	۱۴۱	۲۵ تا ۳۰ سال	
۱۲/۸	۱۲/۸	۴۹	۳۰ تا ۳۵ سال	
۳۹/۶	۳۹/۶	۱۵۲	۳۵ تا ۴۰ سال	
۳/۱	۳/۱	۱۲	۴۰ تا ۴۵ سال	
۳/۹	۳/۹	۱۵	بالای ۴۵ سال	
۴۹/۰	۴۴/۲	۱۸۸	زن	جنسیت
۵۱/۰	۴۶/۱	۱۹۶	مرد	
۰	۰	۰	زیر دیپلم	تحصیلات (بر حسب مقاطع تحصیلی)
۱۴/۱	۱۴/۱	۵۴	دیپلم	
۳/۱	۳/۱	۱۲	فوق دیپلم	
۴۱/۷	۴۱/۷	۱۶۰	لیسانس	
۴۱/۱	۴۱/۱	۱۵۸	فوق لیسانس و دکترا	
۷۲/۱	۷۲/۱	۲۷۷	متاهل	وضعیت تأهل
۲۷/۹	۲۷/۹	۱۰۷	مجرد	
۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۳۸۴	جمع کل	

توصیف متغیرهای اصلی مقاله

توصیف استفاده از فضای مجازی در بین پاسخگویان

نخستین سؤال از مقیاس مربوط به استفاده از فضای مجازی، در باره دفعات رجوع فرد به این فضا بود که از وی پرسیده شد تعداد دفعات مراجعه شما به اینترنت یا فضای در شبانه‌روز، چند دفعه است (در شبانه روز، چندبار آنلاین می‌شوید)؟ الگوی پاسخ‌ها نشان می‌دهد که، ۱۳۵ نفر معادل ۳۵/۲ درصد حدوداً ۳ تا ۴ بار و ۱۵۰ نفر معادل ۳۹/۱ درصد نیز حدوداً ۴ تا ۵ بار و ۹۹ نفر معادل ۲۵/۸ درصد نیز مدام آنلاین هستند (جدول شماره ۲).

سؤال بعدی درباره تداوم مصرف بود که از فرد پرسیده شد، میزان استفاده شما از اینترنت یا فضای در یک شبانه‌روز، بر حسب ساعت چقدر است (یعنی هربار که آنلاین می‌شوید، چقدر در اینترنت توقف می‌کنید یا مشغول می‌شوید)؟ الگوی پاسخ‌ها نشان می‌دهد که ۱۰ نفر معادل ۲/۶ درصد؛ ۳۴ نفر معادل ۸/۹ درصد؛ ۳۱ نفر معادل ۸/۱ درصد؛ ۸۹ نفر معادل ۲۳/۲ درصد؛ و ۴۲ نفر معادل ۱۰/۹ به ترتیب، کمتر از یک ساعت؛ ۱ ساعت؛ ۱ تا ۲ ساعت؛ ۲ تا ۳ ساعت؛ ۳ - ۴ ساعت؛ بیش از ۴ ساعت از فضای مجازی استفاده می‌کنند. بررسی سابقه حضور در شبکه‌های اجتماعی مجازی (مانند فیسبوک، توئیتر، گوگل پلاس، تلگرام، و غیره) سؤال بعدی بود که از پاسخگویان پرسیده شد. نتایج نشان می‌دهد که اغلب جمعیت نمونه، بیش از ۴ سال در این فضا سیر می‌کنند. ۵۱ نفر معادل ۱۳/۳ نفر بین ۳ تا ۴ سال و مابقی که حدود ۳۳۳ نفر معادل ۸۶/۷ درصد نمونه هستند، بیش از ۴ سال در فضای مجازی حضور دارند. نهایتاً تعداد عضویت‌های افراد در کانالها و گروه‌های مجازی با این سؤال که در چند کانال یا گروه، عضو هستید؟ مورد بررسی قرار گرفت و نشان داد که اکثر پاسخگویان در بیش از ۵ کانال یا گروه عضویت دارند. به عبارتی فقط ۱۷ نفر معادل ۴/۴ درصد نمونه بیان کرده‌اند که در ۱ تا ۲ کانال یا گروه عضو هستند، مابقی که شامل ۷۱ نفر معادل ۱۸/۵ درصد و ۲۹۶ نفر معادل ۷۷/۱ درصد نمونه، به ترتیب در ۴ تا ۵ کانال یا گروه و بیش از ۵ کانال یا گروه عضویت دارند.

جدول ۳: توزیع فراوانی جمعیت نمونه، بر حسب استفاده از فضای مجازی

درصد معتبر	درصد فراوانی	فراوانی		
۰	۰	۰	گاهی کمتر از ۱ بار	تعداد دفعات مراجعه به اینترنت یا فضای
۰	۰	۰	حدواً ۱ تا ۲ بار	
۳۵/۲	۳۵/۲	۱۳۵	حدواً ۳ تا ۴ بار	
۳۹/۱	۳۹/۱	۱۵۰	حدواً ۴ تا ۵ بار	
۲۵/۸	۲۵/۸	۹۹	مدام آنلاین هستم	
۲/۶	۲/۶	۱۰	کمتر از یک ساعت	میزان استفاده از اینترنت یا فضای
۸/۹	۸/۹	۳۴	۱ ساعت	
۸/۱	۸/۱	۳۱	۱ تا ۲ ساعت	
۲۳/۲	۲۳/۲	۸۹	۲ تا ۳ ساعت	
۱۰/۹	۱۰/۹	۴۲	۳-۴ ساعت	
۴۶/۴	۴۶/۴	۱۷۸	بیش از ۴ ساعت	
۰	۰	۰	کمتر از یک سال	سابقه حضور شما در شبکه‌های اجتماعی مجازی
۰	۰	۰	۱ سال	
۰	۰	۰	۱ تا ۲ سال	
۰	۰	۰	۲ تا ۳ سال	
۱۳/۳	۱۳/۳	۵۱	۳-۴ سال	
۸۶/۷	۸۶/۷	۳۳۳	بیش از ۴ سال	
۰	۰	۰	در هیچ کانال یا گروه	تعداد عضویت در کانال یا گروه‌های مجازی
۰	۰	۰	کمتر از ۱ کانال یا گروه	
۴/۴	۴/۴	۱۷	۱ تا ۲ کانال یا گروه	
۰	۰	۰	۳ تا ۴ کانال یا گروه	
۱۸/۵	۱۸/۵	۷۱	۴ تا ۵ کانال یا گروه	
۷۷/۱	۷۷/۱	۲۹۶	بیش از ۵ کانال یا گروه	

سنجش میزان اعتماد سیاسی در بین پاسخگویان

اعتماد سیاسی با ترکیب سه بُعد، مجموعاً با ۱۹ گویه ۵گزینه‌ای مورد اندازه‌گیری قرار گرفت و به صورت یک متغیر عددی و در سطح فاصله‌ای سنجیده شد. داده‌های جدول ۴ نشان می‌دهد که میانگین اعتماد سیاسی پاسخگویان، ۵۹/۳۲؛ انحراف معیار آن ۶/۳۹ و واریانس آن ۴۰/۹۰ می‌باشد. حداقل نمره اعتماد سیاسی در میان نمونه، ۴۸ و حداکثر نمره ۷۳ می‌باشد. داده‌های همان جدول نشان می‌دهد که میانگین اعتماد به نظام سیاسی، ۱۸/۲۴؛ انحراف معیار آن ۴/۲۳ و واریانس آن ۱۷/۹۳ می‌باشد. حداقل نمره اعتماد به نظام سیاسی در میان نمونه ۱۰ و حداکثر نمره ۲۶ می‌باشد. همچنین، میانگین اعتماد به نهادهای سیاسی، ۲۳/۳۴؛ انحراف معیار آن ۳/۰۷ و واریانس آن ۹/۴۳؛ حداقل نمره ۱۸ و حداکثر نمره ۳۰ می‌باشد. در نهایت، میانگین اعتماد به کنشگران سیاسی، ۱۷/۷۴؛ انحراف معیار آن ۱/۷۴ و واریانس آن ۳/۰۵؛ حداقل نمره ۱۴ و حداکثر نمره ۲۰ می‌باشد.

جدول ۴: توزیع فراوانی مطلق، مربوط به اعتماد سیاسی در بین پاسخگویان

حیطه‌های اعتماد سیاسی			اعتماد سیاسی کل سه حیطه	آماره‌ها
اعتماد به کنشگران سیاسی	اعتماد به نهادهای سیاسی	اعتماد به نظام سیاسی		
۱۷/۷۴	۲۳/۳۴	۱۸/۲۴	۵۹/۳۲	میانگین
۱/۷۴۷	۳/۰۷۲	۴/۲۳۴	۶/۳۹۶	انحراف معیار
۳/۰۵۳	۹/۴۳۵	۱۷/۹۳۱	۴۰/۹۰۶	واریانس
۱۴	۱۸	۱۰	۴۸	حداقل
۲۰	۳۰	۲۶	۷۳	حداکثر
۳۸۴				جمع کل

به منظور تحلیل اثرگذاری استفاده از فضای مجازی بر اعتماد سیاسی و ابعادش از تحلیل چندمتغیره واریانس و برای مشخص کردن معناداری مدل از تست بزرگترین ریشه، استفاده شد. طی آن همانطور که در جدول مشاهده می‌شود، یک بار هر شاخص فضای مجازی وارد معادله شده است و یک بار هم ترکیب توأم چهار شاخص وارد معادله شده است.

همانطور که در جدول مشاهده می‌شود، با توجه به سطوح معناداری، میزان استفاده از اینترنت یا فضای و تعداد عضویت در کانال یا گروه‌های مجازی و همچنین ترکیبی از کل مقیاس استفاده از فضای مجازی شامل تعداد دفعات × میزان استفاده × سابقه حضور × تعداد عضویت گروهی، تأثیر

معناداری (در سطح $p < 0/05$) بر اعتماد سایسی کاربران فضای مجازی دارد.

جدول ۵: بررسی معناداری مدل کلی اثرات شاخص‌های فضای مجازی بر اعتماد سیاسی

معنی‌داری	سطح	مقدار F	ارزش	آزمون معناداری	تعداد دفعات مراجعه به اینترنت یا فضای
۰/۲۰۳	۱۲/۰۰۰	۱/۷۸۵	۰/۴۴۶	بزرگترین ریشه روی	تعداد دفعات مراجعه به اینترنت یا فضای
۰/۰۰۴	۱۳/۰۰۰	۶/۰۰۳	۲/۳۰۹	بزرگترین ریشه روی	میزان استفاده از اینترنت یا فضای
۰/۵۰۸	۱۱/۰۰۰	۰/۸۲۲	۰/۲۲۴	بزرگترین ریشه روی	سابقه حضور در شبکه‌های اجتماعی مجازی
۰/۰۴۵	۱۲/۰۰۰	۳/۶۲۹	۰/۹۰۷	بزرگترین ریشه روی	تعداد عضویت در کانال یا گروه‌های مجازی
۰/۰۱۸	۱۳/۰۰۰	۳/۹۳۴	۱/۸۱۶	بزرگترین ریشه روی	تعداد دفعات × میزان استفاده × سابقه حضور × تعداد عضویت گروهی (کل مقیاس)

متغیر اثرگذار: استفاده از فضای مجازی

متغیر اثرپذیر: اعتماد سیاسی

به منظور تحلیل اینکه تأثیر کدام شاخص از فضای مجازی بر کدام یک از ابعاد اعتماد سیاسی معنادار است، از آزمون تحلیل واریانس چندمتغیری استفاده شد. بررسی نشان می‌دهد که تعداد دفعات مراجعه به فضای مجازی، به خودی خود بر هیچ‌یک از ابعاد اعتماد سیاسی، اثر معنادار ندارد؛ لکن میزان استفاده از فضای مجازی، بر اعتماد به نظام سیاسی و به ویژه بر اعتماد به کنشگران سیاسی تأثیر معنادار دارد. این یافته، بدین معناست که مراجعه محض به فضای مجازی، نمی‌تواند میزان اعتماد را در کاربران فضای مجازی، کاهش یا افزایش دهد، بلکه مدت زمانی که آنها در این فضای مجازی سیر می‌کنند، تأثیر معنادار ($p < 0/05$) دارد. همچنین سابقه حضور در شبکه‌های اجتماعی مجازی فقط بر اعتماد به کنشگران سیاسی تأثیرگذار ($p < 0/05$) است. همچنین، تعداد عضویت در کانال یا گروه‌های مجازی نیز بر اعتماد به نهادهای سیاسی و اعتماد به کنشگران سیاسی تأثیر معنادار ($p < 0/05$) دارد. در نهایت مشخص می‌شود که ترکیب تعداد دفعات × میزان استفاده ×

سابقه حضور × تعداد عضویت گروهی (کل مقیاس) بر اعتماد به نظام سیاسی و به ویژه بر اعتماد به کنشگران سیاسی تأثیر معنادار ($p < 0/05$) دارد.

جدول شماره ۶: بررسی تحلیل واریانس چند متغیری برای بررسی اثرات استفاده از فضای مجازی بر

اعتماد سیاسی

متغیرهای اثرگذار	متغیرهای اثرپذیر	مجموع مجذورات	درجه آزادی	مجموع مجذورات	مقدار F	سطح معنی داری
تعداد دفعات مراجعه به فضای مجازی	اعتماد به نظام سیاسی	۱۴/۵۵۹	۲	۷/۲۸۰	۰/۸۷۰	۰/۴۴۲
	اعتماد به نهادهای سیاسی	۲۱/۱۶۵	۲	۱۰/۵۸۲	۱/۰۱۳	۰/۳۹۰
	اعتماد به کنشگران سیاسی	۳/۷۷۰	۲	۱/۸۸۵	۲/۲۵۵	۰/۱۴۴
میزان استفاده از فضای مجازی	اعتماد به نظام سیاسی	۱۰۳/۲۲۸	۵	۲۰/۶۴۶	۲/۴۶۹	۰/۰۱۸
	اعتماد به نهادهای سیاسی	۳۴/۱۵۴	۵	۶/۸۳۱	۰/۶۵۴	۰/۶۶۴
	اعتماد به کنشگران سیاسی	۱۷/۹۸۰	۵	۳/۵۹۶	۴/۳۰۲	۰/۰۱۰
سابقه حضور در شبکه‌های اجتماعی مجازی	اعتماد به نظام سیاسی	۱۴/۵۴۴	۱	۱۴/۵۴۴	۱/۷۳۹	۰/۲۱۰
	اعتماد به نهادهای سیاسی	۴/۶۳۶	۱	۴/۶۳۶	۰/۴۴۴	۰/۵۱۷
	اعتماد به کنشگران سیاسی	۰/۴۰۶	۱	۰/۴۰۶	۰/۴۸۵	۰/۰۴۸
تعداد عضویت در کانال یا گروه‌های مجازی	اعتماد به نظام سیاسی	۲۲/۶۹۵	۲	۱۱/۳۴۷	۱/۳۵۷	۰/۲۹۲
	اعتماد به نهادهای سیاسی	۵۶/۳۲۷	۲	۲۸/۱۶۳	۲/۶۹۵	۰/۰۱۰
	اعتماد به کنشگران سیاسی	۴/۱۱۶	۲	۲/۰۵۸	۲/۴۶۲	۰/۰۲۴
ترکیب تعداد دفعات × میزان استفاده × سابقه حضور × تعداد عضویت گروهی (کل مقیاس)	اعتماد به نظام سیاسی	۱۳۸/۱۵۷	۶	۲۳/۰۲۶	۲/۷۵۳	۰/۰۵۰
	اعتماد به نهادهای سیاسی	۵۰/۳۰۹	۶	۸/۳۸۵	۰/۸۰۲	۰/۵۸۵
	اعتماد به کنشگران سیاسی	۱۷/۸۶۱	۶	۲/۹۷۷	۳/۵۶۱	۰/۰۲۶

متغیر اثرگذار: استفاده از فضای مجازی

متغیر اثرپذیر: ابعاد اعتماد سیاسی

تحلیل تاثیر فضای مجازی بر بی‌ثباتی سیاسی

داده‌ها نشان می‌دهد که میانگین بی‌ثباتی سیاسی از نظر پاسخگویان، ۱۲/۷۹؛ انحراف معیار آن ۲/۱۲ و واریانس آن ۴/۵۳ می‌باشد. حداقل نمره بی‌ثباتی سیاسی در میان نمونه، ۸ و حداکثر نمره ۱۸ می‌باشد. میانگین بی‌ثباتی سیاسی در بعد تغییرات در نظام سیاسی از نظر پاسخگویان، ۵/۵۸؛ انحراف معیار آن ۱/۳۷ و واریانس آن ۱/۸۷ و حداقل نمره ۲ و حداکثر نمره ۸ می‌باشد. میانگین در بعد چالش در نظام سیاسی، ۷/۲۱؛ انحراف معیار آن ۱/۵۸ و واریانس آن ۲/۵۲ و حداقل نمره ۵ و حداکثر نمره ۱۰ می‌باشد.

جدول ۷: توزیع فراوانی مطلق، مربوط به ذهنیت از بی‌ثباتی سیاسی در بین پاسخگویان

ابعاد بی‌ثباتی سیاسی		بی‌ثباتی سیاسی	آماره‌ها
چالش در نظام سیاسی	تغییرات در نظام سیاسی		
۷/۲۱	۵/۵۸	۱۲/۷۹	میانگین
۱/۵۸۸	۱/۳۷۱	۲/۱۲۹	انحراف معیار
۲/۵۲۰	۱/۸۷۹	۴/۵۳۴	واریانس
۵	۲	۸	حداقل
۱۰	۸	۱۸	حداکثر
۳۸۴			جمع

به منظور تحلیل اثرگذاری استفاده از فضای مجازی بر بی‌ثباتی سیاسی و ابعاد آن هم از تحلیل واریانس چندمتغیره و برای مشخص کردن معناداری مدل از تست بزرگترین ریشه، استفاده شد. برای این آزمون هم، یک بار هر شاخص فضای مجازی به طور جداگانه وارد معادله شده است و یک بار هم ترکیب چهار شاخص وارد معادله شده است.

همانطور که در جدول شماره ۸ مشاهده می‌شود، با توجه به سطوح معناداری، فقط تعداد دفعات مراجعه به فضای مجازی و میزان استفاده از فضای مجازی، تأثیر معناداری (در سطح $p < 0/05$) بر بی‌ثباتی سیاسی (طبق ذهنیت کاربران فضای مجازی) دارد.

جدول ۸: بررسی معناداری مدل کلی اثرات شاخص‌های فضای مجازی بر بی‌ثباتی سیاسی

سطح معنی‌داری	درجه آزادی	مقدار F	ارزش	آزمون معناداری	تعداد دفعات مراجعه به اینترنت یا فضای
۰/۰۴۶	۱۳/۰۰۰	۳/۹۵۵	۰/۶۰۸	بزرگترین ریشه روی	

۰/۰۱۶	۱۳/۰۰۰	b _۴ /۲۶۸	۱/۶۴۲	بزرگترین ریشه روی	میزان استفاده از اینترنت یا فضای
۰/۲۹۳	۱۲/۰۰۰	a _۱ /۳۶۰	۰/۲۲۷	بزرگترین ریشه روی	سابقه حضور در شبکه‌های اجتماعی مجازی
۰/۲۱۹	۱۳/۰۰۰	b _۱ /۷۱۱	۰/۲۶۳	بزرگترین ریشه روی	تعداد عضویت در کانال یا گروه‌های مجازی
۰/۰۲۷	۱۳/۰۰۰	b _۱ /۶۶۴	۰/۷۶۸	بزرگترین ریشه روی	تعداد دفعات×میزان استفاده× سابقه حضور × تعداد عضویت گروهی (کل مقیاس)

متغیر اثرگذار: استفاده از فضای مجازی

متغیر اثرپذیر: بی‌ثباتی سیاسی

به منظور تحلیل اینکه تأثیر کدام شاخص از فضای مجازی بر کدام یک از ابعاد بی‌ثباتی سیاسی معنادار است، نیز از آزمون تحلیل واریانس چندمتغیری استفاده شد که نشان داد تعداد دفعات صرف مراجعه به فضای مجازی، به تنهایی بر هیچ‌یک از ابعاد بی‌ثباتی سیاسی، اثر معنادار ندارد؛ اما میزان استفاده از فضای مجازی، بر بی‌ثباتی از بُعد تغییرات در نظام سیاسی تأثیر معنادار دارد. یعنی به زعم کاربران فضای مجازی، نظام سیاسی از جهت تغییرات مداوم در نظام (اعم از تغییر مداوم در مدیران و متولیان، قوانین و هنجارها و ...) دچار بی‌ثباتی است. این یافته هم تأیید می‌کند که مراجعه محض به فضای مجازی، منجر به این ذهنیت که نظام دچار بی‌ثباتی است، نمی‌گردد، بلکه میزان ساعاتی که آنها در این فضای مجازی سپری می‌کنند، بر ذهنیت آنها از بی‌ثباتی نظام، تأثیر معنادار ($p < ۰/۰۵$) دارد.

همچنین ترکیب تعداد دفعات×میزان استفاده× سابقه حضور × تعداد عضویت گروهی (کل مقیاس) بر ذهنیت پاسخگویان یا کاربران از بی‌ثباتی سیاسی تأثیر معنادار دارد که این تأثیر در بعد چالش در نظام سیاسی خود را نشان داده است ($p < ۰/۰۵$).

جدول ۹۶: تحلیل واریانس چندمتغیری برای بررسی اثرات استفاده از فضای مجازی بر بی‌ثباتی

سیاسی (طبق دیدگاه پاسخگویان)

متغیرهای اثرگذار	متغیرهای اثرپذیر	مجموع مجذورات	درجه آزادی	مجموع مجذورات	سطح معنی‌داری
تعداد دفعات مراجعه به فضای مجازی	تغییرات در نظام سیاسی	۱/۱۵۰	۲	۲/۳۰۱	۰/۳۶۳
	چالش در نظام سیاسی	۴/۴۲۸	۲	۸/۸۵۷	۰/۱۴۴
میزان استفاده از فضای مجازی	تغییرات در نظام سیاسی	۳/۳۹۳	۵	۱۶/۹۶۶	۰/۰۴۱
	چالش در نظام سیاسی	۳/۳۳۴	۵	۱۶/۶۶۸	۰/۲۰۴
سابقه حضور در شبکه‌های اجتماعی مجازی	تغییرات در نظام سیاسی	۲/۰۴۳	۱	۲/۰۴۳	۰/۰۸۶
	چالش در نظام سیاسی	۳/۵۳۲	۱	۳/۵۳۲	۰/۲۰۳
تعداد عضویت در کانال یا گروه‌های مجازی	تغییرات در نظام سیاسی	۱/۷۷۲	۲	۳/۵۴۴	۰/۲۲۳
	چالش در نظام سیاسی	۰/۷۰۴	۲	۱/۴۰۹	۰/۷۰۵
ترکیب تعداد دفعات × میزان استفاده × سابقه حضور × تعداد عضویت گروهی (کل مقیاس)	تغییرات در نظام سیاسی	۰/۷۰۵	۶	۴/۲۳۲	۰/۶۷۴
	چالش در نظام سیاسی	۳/۱۲۱	۶	۱۸/۷۲۵	۰/۰۲۷

متغیر اثرگذار: استفاده از فضای مجازی

متغیر اثرپذیر: ابعاد بی‌ثباتی سیاسی

نتیجه‌گیری

با گسترش فناوری‌های ارتباطی استفاده از فضای مجازی به عنوان شکل نوین ارتباط جمعی افزایش چشمگیری یافته است فضای مجازی می‌تواند به کاهش نفوذ کلیت‌های سیاسی بر هویت سازی‌های فردی شده و باعث شکل‌گیری منابع هویتی جدیدی فارغ از کنترل دولت‌ها شده است. همراه با افزایش نقش روزافزون فضای مجازی در زندگی اجتماعی پرسش‌های بنیادی از جمله در مورد تأثیرات اجتماعی و سیاسی فضای مجازی و فناوری‌های مرتبط با آن به وجود آمده است. از طرفی یکی از مهمترین موضوعات مطالعه علوم سیاسی مدرن و جامعه‌شناسی سیاسی رابطه متقابل دولت و ملت بوده است. بحث از موضوع نوع مناسب رابطه متقابل دولت و ملت و آسیب‌ها و چالش‌های روابط دولت - ملت همواره در اولویت مطالعه و اندیشه‌ورزی اندیشمندان علم سیاست قرار

داشته تا جائی که عده‌ای از صاحب‌نظران مفهوم شکاف - اجتماعی را مطرح کرده اند و در واقع به بررسی طرح مسئله شکاف در روابط دولت - ملت پرداخته‌اند. شکاف دولت - ملت پدیده است که عوامل متعددی بر روی آن می‌توانند اثرگذار باشند. یکی از آن عوامل اعتماد سیاسی است. اعتماد سیاسی میزان نگرش مثبت و حامیانه مردم نسبت به نظام سیاسی، نهادهای سیاسی و کنشگران سیاسی می‌باشد. شکی نیست که تعامل و ارتباط بین دولت ملت باید با سازوکارهای مناسب که همان ایجاد اعتماد سیاسی است برقرار و حفظ شود بریتزر اعتماد سیاسی را در سه سطح اعتماد به نظام سیاسی، نهادها و کنشگران سیاسی در نظر می‌گیرد مقوله دیگری که با شکاف دولت ملت ارتباط وثیقی دارد ثبات یا بی‌ثباتی سیاسی است. عبارت بهتر، هر عاملی که منجر به بی‌ثباتی سیاسی درون مرزهای ملی شود، شکاف دولت ملت را متاثر می‌کند ساندرز در تعریف بی‌ثباتی سیاسی می‌نویسد: معیاری که بتوان به وسیله آن یک نظام سیاسی را در هر مقطع از زمان «بی-ثبات» خواند، معیاری است که با وقوع یا عدم وقوع تغییرها و چالش‌ها در هر حکومت، رژیم یا جامعه‌ای نسبت مستقیم دارد. یعنی آن که تا حد حد این تغییرها و چالش‌ها، الگوی معمولی یک سیستم خاص حکومتی، رژیم یا جامعه‌ای را تغییر داده‌اند و تا چه میزان باعث ایجاد چالش در آنها شده‌اند. در مقاله پیش رو برای سنجش تاثیر فضای مجازی بر شکاف دولت ملت سعی شد تا با سنجش تاثیر فضای مجازی بر اعتماد سیاسی و بی‌ثباتی سیاسی شکاف موردنظر سنجش گردد. برای رسیدن به هدف اصلی مقاله شهر همدان بعنوان مطالعه موردی انتخاب و بعد از تعیین حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران، ۳۸۴ پرسشنامه توزیع گردید. و با نرم افزار spss نتایج تحلیل و بررسی شد.

نتایج تحقیق نشان می‌دهد که تعداد دفعات مراجعه به فضای مجازی، به خودی خود بر هیچ‌یک از ابعاد اعتماد سیاسی و بی‌ثباتی سیاسی، اثری ندارد. یعنی مراجعه محض به فضای مجازی، نمی‌تواند میزان اعتماد و یا ذهنیت فرد از بی‌ثباتی را در کاربران فضای مجازی، کاهش یا افزایش دهد. با این حال، نتایج تحقیق نشان می‌دهد که ساعات استفاده یا مدت زمانی که کاربران در فضای مجازی سپری می‌کنند، می‌تواند بر اعتماد سیاسی و نیز ذهنیت آنها از بی‌ثباتی سیاسی اثرگذار باشد. به طور دقیق‌تر، نتایج این تحقیق نشان داد که میزان استفاده از فضای، بر اعتماد به نهاد و به ویژه بر اعتماد به کنشگران سیاسی تأثیر دارد. همچنین سابقه حضور در شبکه‌های اجتماعی مجازی فقط بر اعتماد به کنشگران سیاسی تأثیرگذار است. همچنین، تعداد عضویت در کانال یا گروه‌های مجازی نیز بر اعتماد به نهادهای سیاسی و اعتماد به کنشگران سیاسی تأثیر معنادار دارد. به طور کلی استفاده

از فضای مجازی طبق نتایج این تحقیق، می‌تواند بر اعتماد سیاسی خصوصا سطح اعتماد به نهادها و کنشگران تاثیر گذار باشد و اعتماد را کاهش دهد. طبق نتایج این مقاله، میزان استفاده از فضای مجازی، بر بی‌ثباتی از بُعد تغییرات و وقوع برخی چالش‌ها در نظام سیاسی تأثیر دارد.

منابع

- [۱] اسمیت، بی.سی، (۱۳۷۹). *ثبات سیاسی، دموکراسی توسعه، ترجمه امیر محمد حاجی یوسفی و محمد قائمی نجفی، اطلاعات سیاسی اقتصادی، سال شانزدهم، ش ۱۷۰ - ۱۶۹، آبان و آذر.*
- [۲] افتخاری، اصغر. (۱۳۸۱). *رسانه‌ها و بی‌ثباتی در جمهوری اسلامی ایران.* تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- [۳] اشتراوس، انسلم و کربین جولیت (۱۳۹۰)، *میانی پژوهش کیفی*، مترجم ابراهیم افشار، چاپ اول، نشرنی.
- [۴] پناهی محمد حسین؛ فریبا شایگان، (۱۳۸۶). *اثر میزان دینداری بر اعتماد سیاسی*، شماره ۳۷، بهار
- [۵] حاتمی، عباس (۱۳۹۰). «*نظریه‌های مختلف دولت سازی؛ به سوی یک چهارچوب بنیادی نظری*» پژوهشنامه علوم سیاسی، سال ۶ شماره سوم، تابستان.
- [۶] خواجه سروی، غلامرضا. (۱۳۸۲). *رقابت سیاسی و ثبات سیاسی در جمهوری اسلامی ایران.* تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- [۷] دلآوری، ابوالفضل. (۱۳۷۸). *بررسی ریشه‌های خشونت و بی‌ثباتی سیاسی در ایران.* رساله دکتری. تهران: دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
- [۸] دلآوری، ابوالفضل، (۱۳۹۴). *درآمدی انتقادی بر مفهوم و شاخص‌های بی‌ثباتی سیاسی: به سوی مدلی جامع و روزآمد برای سنجش بی‌ثباتی سیاسی*، فصلنامه دولت پژوهی، تابستان.
- [۹] دلیرپور، پرویز (۱۳۸۸). *درآمدی بر نظریه‌های گوناگون پیرامون جامعه‌شناسی سیاسی شکاف‌های اجتماعی، در جامعه‌شناسی سیاسی شکاف‌های اجتماعی نوشته پیا نوریس و نیکی کدی، ترجمه پرویز دلیرپور و علیرضا سمیعی اصفهانی، تهران، انتشارات کویر.*
- [۱۰] دوگان، ماتی، (۱۳۷۴)، *سنجش مفهوم مشروعیت و اعتماد، ترجمه پرویز پیران، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۹۸ - ۹۷*
- [۱۱] رنی، آستین (۱۳۹۲). *حکومت: آشنایی با علم سیاست*، مترجم لی لا سازگار، تهران، مرکز نشر

دانشگاهی.

[۱۲] ساندرز، دیوید (۱۳۸۰)، *الگوهای بی‌ثباتی سیاسی*، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی،

[۱۳] شیروودی، مرتضی (۱۳۸۸). «آسیب شناسی اینترنت در ایران و جهان اسلام»، آفاق امنیت. سال هشتم، شماره ۲۸

[۱۴] قوام، عبدالعلی، مهدی مالمیر (۱۳۹۳). *ارائه یک مدل تحلیلی برای بررسی شکاف دولت - ملت (الگویابی روابط بین دولت و جامعه)* پژوهشنامه علوم سیاسی، زمستان

[۱۵] گیدنز، آنتونی (۱۳۷۹). *جهان رها شده، گفتاری درباره یکپارچگی جهانی*، مترجم علی اصغر سعیدی - یوسف حاجی عبدالوهاب، تهران، علم و ادب

[۱۶] معینی علمداری، جهانگیر (۱۳۸۴). *هویت و مجاز: تاثیر هویت اینترنت، فصلنامه مطالعات ملی* شماره ۲۴، زمستان.

[۱۷] مک لوهان، مارشال (۱۳۷۷). *برای درک رسانه‌ها*، ترجمه سعید آذری، تهران، مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه‌ای صدا و سیما، ۱۳۷۷

[۱۸] میزتال، باربارا (۱۳۸۰). *بررسی مفهوم اعتماد میان جامعه شناسان کلاسیک*، مترجم ناصرالدین غراب، نمایه پژوهش شماره ۱۸.

[۱۹] هلد، دیوید؛ آنتونی مک گرو (۱۳۸۲). *جهانی شدن و مخافسان آن*، مترجم مسعود کرباسیان، تهران، علمی فرهنگی

[20] Bauman, Zygmunt, (2000). *Liquid Modernity*, Polity Press, First Publish

[21] Bretzer, Y. N. (2004), "*How Can Institutions Better Explain Political Trust than Social Capital Does?*" University of Gothenburg, Sweden.

[22] Feierabend, I. & Feirabend, R. (1972). "*Systemic Conditionsof Political Aggression Theory*". In Feierabend, I. & Feirabend, R. & Gurr T. R. Anger, Violence and Politics. N.J.: Printice Hall.

[23] Ferdinand ، P. (۲۰۰۰) *The Internet ، Democracy & Democraztization*. London: Frankcass Publisher

[24] Giddens, Anthony (1987). *The Nation-State and Violence*, England ,Cambridge university press

[25] Luhman, N. (1979) "*Trust and power*", New York, John willey

[26] Lustick, Ian, (2000). "*Stablity in deeply divided societies: Consociationalism versus control*" in John Hutchinson and Antony D. Smith (eds.) Critical Concepts in Political Science, Vol.5, London: Routledge,

سنجش تاثیر فضای مجازی بر میزان شکاف دولت - ملت در ایران □ ۲۹

[27] Peri K. Blind (2006), "*Building Trust in Government in the Twenty-First Century*: Review of Literature and Emerging Issues."